

## تضاد یا ثبات در فکر و شخصیت نظامی

دکتر زینب نوروزی

استادیار ادبیات فارسی دانشگاه بیرجند

ندا سهرابی

دانشجوی کارشناسی ارشد ادبیات فارسی

چکیده:

در این پژوهش سعی شده است که به این پرسش ها پاسخ داده شود که آیا گرایش نظامی به موضوعات مختلف و تا حدی متضاد به علت تضاد درونی وی بوده است یا خیر؟ و اگر نظامی دارای ثبات شخصیت است چه علت یا عللی باعث این تنوع و تضاد در موضوعات خمسه ی او بوده است؟ از طرف دیگر در منظومه های گوناگون نظامی، عدم تضاد درونی او و تغییر نیافتن عقاید و اصول وی نمایان است. او تحت تأثیر شرایط زندگی و اجتماعی و آثاری که مورد مطالعه قرار داده است با هدف و شخصیتی ثابت به موضوعات متنوعی در خمسه ی خود پرداخته است. علاوه بر این، نگاه همه جانبه نگر و تکامل یافته ی نظامی و گرایش وی به اصلاح اخلاقی اجتماع خویش باعث شده است که موضوعات مورد علاقه ی مردم را برگزیند تا مطابق علایق آن ها راه رستگاری و سعادت را به آن ها بنماید.

**واژگان کلیدی:** نظامی، تضاد درونی، ثبات فکری، شخصیت،

### ۱. مقدمه

نظامی یکی از بزرگترین شاعران داستان پرداز ایران است که همواره آثار او مورد توجه بزرگان قرار گرفته است و از جنبه های فراوان به بررسی آن پرداخته است. سعید حمیدیان در کتاب سعدی در غزل، نظامی را دارای نوعی تضاد درونی در گرایش به بهره وری از نعمات دنیا و خوش گذرانی و از سوی دیگر به اخلاق و عرفان و زهد می داند. (حمیدیان، ۱۳۸۳: ۴۹) در حقیقت این مقاله در جهت تأیید نظر و دیدگاه

حمیدیان است و اینکه نظامی تحت شرایط اجتماعی و سیاسی و تجربیات شخصی که داشته، دچار این نوع تضاد و تعارض گشته است.

نظامی از یک سو مسبوق به سنایی و آثار گرانقدر او در زمینه عرفان و تصوف بوده است و نزدیک به دورانی می‌زیسته است که دوران اوج مکتب تصوف عرفانی بود، و شاعر نمی‌توانسته است از نفوذ این شرایط برکنار بماند. اما نحوه زندگی او و اینکه روزی خوار و ستایشگر شاهان بوده و ناگزیر از حفظ ارتباط با ارباب جاه و مال بوده، این دوگانگی سرشت را در شعر او به وجود آورده است" (همان: ۵۲). از نظر حمیدیان این تعارضات که در شاعران معاصر نظامی نیز مشاهده می‌شود؛ در اموری همچون زمینه های تاریخی، فکری، فرهنگی و اجتماعی و در تواریخ ادبی می‌توان جستجو کرد (همان: ۴۹). حمیدیان معتقد است که به علت عمق معرفت نظامی ستیز میان دلبستگی های او بیشتر و شدیدتر بوده و شعر او نیز چون شعر خاقانی بیشتر آینه ی این دوگانگی بوده است. (همان: ۵۳). سؤالی که در این پژوهش مطرح شد این است که آیا نظامی دارای تضاد درونی و گرایش های متضاد است؟ و اگر تضادی در او و آثارش وجود دارد به چه علت یا عللی است؟

است که با شناخت ثبات یا تضاد درونی نظامی به درک بهتری از ابیات منظومه های او رسید.

اما منظور از تضاد درونی چیست؟ گرایش و تمایل یک شخص به دو سوی متضاد که باعث می شود آن فرد در هر برهه از زندگی خود به یکی از این درونیات گرایش پیدا کند و نظر و عقیده ی خود را به سوی یکی از این گرایشات درونی تغییر دهد.

گرایش اصلی نظامی به شعر تعلیمی است. او تا زمانی که جوان است و شناخت و جهان بینی مستقلی ندارد، به پند و اندرزی مستقیم می پردازد؛ اما در اثر ارتباط بیشتر با اطرافیان و آشنایی با سلايق و علايق آنها در زمینه های ديگر نیز طبع آزمایی می کند. " مخزن الاسرار که اولین ثمره ی عزلت و ریاضت شاعر بود در عین حال اولین تجربه ی عمده ی شاعرانه عصر وی در پیوند شعر با شرع بود. در این اثر که به شیوه ی حدیقه ی سنایی نظم شد، شاعر، شعر را از ((مصطبه)) آزاد کرده بود و آن را به صومعه و دنیای زهد و ریاضت کشانده بود. برخلاف الگوی خود با آنکه به زهد و تشرع علاقه نشان می داد اصراری در تعلیم تصوف رسمی نداشت. گویی طالب آن بود تا با الزام شرع و سعی در تقبیح بیشرعی و بیرحمی جهان متعصب عصر، جامعه‌یی را که از بیم تجاوز کفار معروض غلبه‌ی جهال گشته بود، از گرایش به فسق آشکار که خط سیر فساد عصر ناچار به آنجا منتهی می شد نجات دهد" (زرین کوب، ۱۳۷۲: ۲۳). بنابراین طبیعی

است که تحت تأثیر حدیقه سنایی و سیر و سلوک معنوی و با هدف اصلاح اجتماعی به سراغ پند و اندرزی مستقیم برود. اما سؤال این است که چگونه نظامی از زهد و اخلاق به داستان‌های عاشقانه و تاریخی گرایش پیدامی کند؟ بزرگترین هدفی که نظامی در آثار خود دنبال می‌کند اصلاح جامعه‌ی عصر خویش است. عصری که نظامی در آن زندگی می‌کند عصری سراسر ظلم پادشاهان به مردم، و ستم بر مردم است. عصری که شاعران نیز از ظلمت آن برکنار نمانده‌اند و برای به دست آوردن محبوبیت و مقام والاتر به هجو یکدیگر می‌پردازند. نظامی در تمام آثارش چون یک مصلح بزرگ اجتماعی عمل می‌کند و از هر فرصتی برای انجام رسالت بزرگ خود استفاده می‌کند. او جامعه و مردم پیرامون خود را می‌شناسد؛ و می‌داند مردم ایرانی شیفته‌ی شعرهای عاشقانه و حماسی هستند و تنها از طریق داستانسرایی می‌تواند جامعه‌ی ظلمت زده‌ای را که در آن زندگی می‌کند بیدار سازد. البته این تمایل جامعه را از محبوبیت شاهنامه و داستان‌های آن در میان مردم دریافته است. البته نظامی خود نیز آشنایی دیرینه با شاهنامه داشته است و این آشنایی از طریق گرایش وی به سرودن داستان‌های تاریخی و ایران باستان، قابل درک است. خود را در تصاویر و قالب‌های متفاوت بیان کرده است. هریک از منظومه‌های او چون حلقه‌های متصل یک زنجیر هستند؛ و ارتباط آنها به گونه‌ای است که گسلاندن یکی از آنها باعث جدایی کل حلقه‌های این پیوند می‌شود.

## ۲. علل تنوع موضوع در خمسه‌ی نظامی

نظامی شاعری یک جانبه‌نگر نیست که در چارچوب عقاید خشک خود دیدگاه هیچ صاحب نظری را نپذیرد. او در بیان دیدگاه‌های خویش از هر روشی استفاده می‌نماید. «نظامی از یک سو برای اثبات وجود حق؛ دریاچه‌ی طبیعت زیبا و جهان مادی را بر روی آدمیان می‌گشاید و به توصیف شگفتیها و رازهای حیات می‌پردازد و ما را به مطالعه و بررسی دقیق یکایک اشیاء، از سنگ و گل گرفته تا کواکب و کهکشانها، دعوت می‌کند. از سویی دیگر، پس از پیمایش راه تجربه و احساس، شمع روشن عقل را فرا روی ما می‌گذارد و سرانجام برای دستیابی کامل به شناخت واقعتهای جهان ما را به سلاح دین مجهز می‌نماید» (موحد، ۱۹:۱۳۶۷).

اما نظر نظامی در مورد وجود دوگانگی در خود چیست؟

نظامی اكدشى خلوت نشين است كه نيمى سرکه نيميش انگبين است

ز طبع تر گشاده چشمه ی نوش      به زهد خشک بسته بار بر دوش  
دهان زهد ار چه خشک خانیست      لسان رطبم آب زندگانیست

(نظامی ع، ۱۳۸۱: ۱۰۲)

نظامی در این چند بیت تضادهای درون خود را به زیبایی بیان کرده است. وی در مورد گرایش‌های متضاد خود می‌گوید که زبان شیرین من، زهد خشک را در افسانه ای شیرین بیان کرده است. آری نظامی به وجود زهد و اخلاقی که در مخزن الاسرار از آن بهره مند بوده است در خسرو و شیرین نیز اشاره می‌کند، و اذعان می‌دارد که تضادی در گرایشات او وجود ندارد بلکه راه شیرین و جذاب کردن زهد خشک را یافته است. بنابراین هم کسانی که به سوی زهد گرایش دارند از خمسه‌ی او بهره مند می‌شوند و هم کسانی که به داستان‌های شیرین عاشقانه علاقه مند هستند از آن لذت می‌برند؛ و این همان ترکیب ترشی و خشکی زهد با شیرینی قصه و داستان است که نظامی به آن دست یافته است.

نظامی در اثر تجربه، دریافته است که عشق تنهاراه در رسیدن به خدا است. او زهد خشک و بدون عشق را در راه رسیدن به مقصود ناتوان می‌داند و باید در یک زندگی انسانی، برای رسیدن به کمال مطلوب باید تمام ابعاد دنیا و جنبه‌ها و نیازهای انسان را در نظر گرفت. نظامی تضادها را در کنار هم و در یک پیکر قرار داده است و از طریق اعتدالی که در وجود خودش قرار دارد میان این تضادها هماهنگی ایجاد کرده است. به قرار گرفتن چهار طبع در درون انسان دقت کنید که چگونه چهار متضاد به گونه‌ای مسالمت آمیز و با اعتدال در یک پیکر قرار دارند. عمل نظامی در خمسه‌ی او بی-شبهت به این چهار طبع نیست. او در پنج منظومه یک هدف مشترک را دنبال می‌کند و همین هدف مشترک باعث ایجاد اعتدال در خمسه‌ی او شده است. به گونه‌ای که هیچ یک از این منظومه‌ها نه تنها در تضاد با اثر دیگر نیست بلکه به نوعی آن را تکمیل می‌کند. "مدینه‌ی فاضله‌ی بی که او از عهد ((مخزن)) تا دوران اسکندرنامه در مدت بیست و هفت سال (۵۷۰-۵۹۷) برای نیل به آن تکاپو داشت سرانجام اینجا در عرصه‌ی شهر نیکان در گذرگاه موکب ذوالقرنینش مجال ظهور و شهود پیدا کرد و با ورود به دروازه آن هم جستجوی شاعر گنجه به هدف رسید هم قصه‌ی برگشت و گذر اسکندر معنی خود را یافت." (زرین کوب، ۱۳۷۲: ۳۳). بنابراین نظامی در تمام آثار خود هدفی متعالی را دنبال کرده است که این هدف در اسکندرنامه به خوبی نمایانده شده است. علاوه بر این؛ باید ذکر شود که آثار بزرگانی چون نظامی که در محیطی اختناق آور و سراسر رعب و وحشت به وجود آمده است هر کلام و سخنی را به طور آشکارا بیان نمی‌کنند بلکه شاعر تا

جایی که ممکن است از زبانی کنایی و داستان‌هایی تمثیلی استفاده می‌کند و سعی می‌شود از خلال این داستان‌ها اوضاع اجتماعی - فرهنگی و سیاسی عصر خود را بیان کند. هدف شاعر این است که نصیحت و وعظ خود را از خلال قصه‌ها بیان کند تا از تلخی آن مواعظ کاسته شود. گویی نظامی در آغاز جوانی که شروع به سرودن مخزن الاسرار نموده است روش خود را کامل نشناخته است که به گونه‌ای مستقیم مسائل اخلاقی و تعلیمی را بیان می‌کند و ذکر حکایاتی چند در پایان این مقاله‌ها نیز نتوانسته است مخاطبان را به سوی خود بکشاند و اگر پادشاه زمان هدایایی ارزنده برای نظامی به علت سرودن این منظومه ارسال نموده است تنها به این علت بوده است که شاعر با تقدیم کردن این اثر به او نام و یاد این سلطان را جاوید نموده است. با گذشت زمان و رسیدن شاعر به بلوغ عقلی، در یافته است که با این جامعه باید از دری سخن گفت که با آن سالیان سال انس گرفته باشد. جامعه‌یی که قصه و حکایت و افسانه‌ای را می‌پسندد و از لابلای این افسانه پیام‌های اخلاقی را دریافت می‌کند. نصیحت مستقیم و بی‌واسطه برای او تلخ و گزنده است. سؤالی که برای من پیش آمد و باعث شد در پی یافتن پاسخ آن برآیم؛ این است که چرا نظامی پس از وارد شدن به عرصه‌ی اخلاق و عرفان مسیر خود را به سوی داستان‌های عاشقانه و یا تاریخی و حماسی تغییر داده است؟ آیا این امر ناشی از تضاد درونی اوست و نظامی به دو بعد متضاد گرایش داشته است؟ در حقیقت جواب این سؤال‌ها را می‌توان در این جمله‌ی صبور یافت: «شعر بازتاب عواطف و احساسات شاعر در مقابل عوامل محیط زندگی به ویژه روش‌های حکومتی، اوضاع اقتصادی، اجتماعی، عقاید و سنت‌ها، اخلاق و مناسبات جوامع مردم با یکدیگر است» (صبور، ۱۳۸۲: ۳۲۰).

تنوع موضوعاتی که در خمسه‌ی نظامی وجود دارد به علت شرایطی است که برای نظامی پیش آمده است. این شرایط که باعث نوعی تضاد در نظامی گشته بود تنوع موضوعات را در خمسه‌ی وی شد و باعث شده که به شیوه‌های متفاوتی در شعر سرایی دست بزند. این شرایط و عوامل عبارتند از:

## ۱-۲. پیشنهاد شدن موضوع از جانب دیگران:

نظامی بدون اینکه کسی از او بخواهد در آن زمینه که خواست و گرایش او بوده است به سرودن منظومه اخلاقی - تعلیمی مخزن الاسرار دست زده است :

عاریت کس نپذیرفته ام آنچه دلم گفت بگو گفته ام

(نظامی، ۱۳۸۱: ۱۷)

در حقیقت سخن دل و اندیشه‌ی واقعی نظامی را در این منظومه می‌توان دریافت. نظامی در این منظومه به صورتی واضح تمام دیدگاه‌های خود را نسبت به دنیا، انسان و راه سعادت جاوید بیان کرده است. در حقیقت گرایش نظامی در به نظم کشیدن مبانی اخلاقی است. او در این منظومه با تأکید بر اصلاح جامعه‌ی انسانی سعی دارد دنیایی آرمانی را بیان کند. در حقیقت مدینه‌ی فاضله‌ی نظامی را می‌توان از خلال مخزن الاسرار شناخت. نظامی در این منظومه شخصی عارف و صوفی نیست و قصد دعوت خواننده به دنیای عرفان را ندارد او در این اثر به عنوان یک مصلح بزرگ اخلاقی وارد صحنه می‌شود. "مخزن الاسرار در واقع فقط یک مرحله از جستجویی بود که ذهن شاعر در تکاپوی وصول به یک مدینه‌ی فاضله در پیش گرفته بود و البته ادامه‌ی این جستجو در همان امتداد دیگر ضرورت نداشت. به علاوه این منظومه‌ی کوتاه زهد آمیز، با آنکه مورد تحسین شعر شناسان عصر واقع شد آن شهرت و قبولی را که شاعر انتظار داشت، در محافل صوفیه پیدا نکرد. زبانش با وجود زیبایی دشوار و محتوایش با وجود اشتغال بر وعظ و تحقیق از جنس آنچه در حدیقه‌ی سنایی توجه خاص اهل خانقاه را برانگیخت نبود" (زرین کوب، ۱۳۷۲: ۲۴). علت این امر این است که نظامی این اثر را برای خانقاه و امور خانقاهی نسوده است. هدف نظامی سرودن منظومه‌ی اخلاقی بوده است. بنابراین فاصله‌ی زیادی بین خسرو و شیرین و مخزن الاسرار وجود ندارد. به عبارت دیگر نظامی به دنیایی متضاد و مخالف با دنیایی که قبلا در آن سیر می‌کرده، قدم نهاده است. نظامی شرف‌نامه (اسکندرنامه) و خردنامه (اقبال‌نامه) را نیز چون مخزن الاسرار با میل و خواست خود سروده است که منظومه‌هایی در حوزه‌ی اخلاق و پند و اندرز هستند. زمانی که مخزن الاسرار به دست بهرامشاه سلجوقی رسید و قدرت کلام و اندیشه‌ی نظامی برای همگان شناخته شد؛ حاکم اتابک فقط نظامی را در سرودن قصه عشق خسرو و شیرین توانا دید:

فلک را از سر خنجر زبانی تراشیدی ز سر موی معانی  
عطار را قلم مسمار کردی پرنده زهره در تن خار کردی

(نظامی، ع، ۱۳۸۱: ۹۶)

البته نباید تنها این پیشنهاد شدن را دلیل تنوع موضوعات خمسه‌ی نظامی دانست. دلایل دیگر این امر در قسمت‌های دیگر بیان می‌شود.

نظامی در مقدمه‌ی سه منظومه خود به پیشنهاد سرودن آنها از جانب دیگران اشاره کرده است:

- چنین فرمود شاهنشاه عالم  
که عشقی نو برآر از راه عالم  
(نظامی، ج، ۱۳۸۱: ۹۶)
- درحال رسید قاصد از راه  
خواهم که به یاد عشق مجنون  
(نظامی، ج، ۱۳۸۱: ۳۵۴)
- در این چند بیت نیز نظامی پیغامی که از سراپرده ی حاکم به او رسیده است را بیان می کند؛ مبنی بر اینکه بیکار نشیند و دست بکار شود:
- رنج بر وقت رنج بردن تست  
گنج شه در ورق شمردن تست  
(نظامی، ج، ۱۳۸۱: ۴۹۶)
- چون رسید اشارت پنهانی  
پرگرفتم چو مرغ بال گشای  
در اشارت چنان نمود برید  
از سرا پرده ی سلیمانی  
تا کنم بر در سلیمان جای  
که هلالی برآور از شب عید  
(نظامی، ج، ۱۳۸۱: ۴۹۵)
- قابل ذکر است که نظامی در مقدمه‌ی همه‌ی آثارش از بی فایده و بیکار بودن، ناراحت و غمگین بوده، و همواره منتظر بوده است که موضوعی برای سرودن به او پیشنهاد شود. به همین علت وقتی کسی پیشنهاد سرودن اثری به او می شده، با اشتیاق آن را می پذیرفته است:
- من از ناخفتن شب مست مانده  
بدین دل کز کدامین در درآیم  
چو شمشیری قلم در دست مانده  
کدامین گنج را سر برگشایم  
(نظامی، ج، ۱۳۸۱: ۹۵)
- درخاطرم اینکه وقت کار است  
تا کی نفس تهی گزینم  
کاقبال رفیق و بخت یار است  
وز شغل جهان تهی نشینم  
(نظامی، ج، ۱۳۸۱: ۳۵۳)

۲-۲. تأثیر زندگی نظامی و رویدادهای آن در تنوع موضوعات خمسه ی او:

دومین عاملی که نظامی را به سوی تنوع موضوعات سوق داد تأثیر زندگی نظامی و حوادثی که برای او پیش آمده، بوده است. به عبارت دیگر زندگی شخصی نظامی و رویدادهایی که در آن رخ داده، باعث شده است که به موضوعاتی متنوع بپردازد. به عنوان مثال در داستان عشق خسرو و شیرین، شاعر تمایل و علاقه‌ی فراوانی در وصف عشق زمینی دارد اما این تمایل و علاقه در لیلی و مجنون مشاهده نمی‌شود. علت این تفاوت را باید ناشی از زندگی شخصی نظامی دانست. بهرامشاه سلجوقی بعد از دریافت نخسه‌ای از مخزن الاسرار که نظامی به نام او سروده بود با دادن هدایایی به نظامی سعی به جبران این محبت می‌نماید. در میان این هدایا کنیزی قیچاقی است که با ورودش به زندگی نظامی تغییر و تحولی عمیق در شاعر و حیات او پدید می‌آورد و او را به عالم عشق و محبت فرامی‌خواند. این تأثیر تا جایی بود که نظامی زمانی که سرودن خسرو و شیرین از جانب مظفرالدین قزل ارسلان به او پیشنهاد می‌شود بدون هیچ تعللی این درخواست را می‌پذیرد. "نظامی داستان خسرو و شیرین را، اگر نه به یاد او (آفاق) لااقل تحت تأثیر خاطره‌ی دوران وصال او سرود و به هر حال چیزی از عشق ثسوری را که در وی برانگیخته بود در عشق خسرو و شور شیدایی فرهاد منعکس کرد." (زرین کوب، ۱۳۷۲: ۲۳)

در جای جای منظومه‌ی خسرو و شیرین می‌توان رد پای عشق نظامی به آفاق را احساس کرد همان گونه که نام او بیشتر از منظومه‌های دیگر در این اثر دیده می‌شود. شادی و نشاطی که از وجود آفاق در زندگی نظامی وجود داشته، به درون این منظومه راه یافته است و پاکدامنی آفاق باعث شده که نظامی بهترین خصوصیت شیرین را پاکدامنی او بداند. همانگونه که می‌دانیم نظامی داستان خسرو و شیرین را از داستان‌های شفاهی و نیز از شاهنامه‌ی فردوسی اخذ کرده است اما در هیچ یک از آثاری که قبل از نظامی از این داستان سخن گفته‌اند به اندازه‌ی نظامی به نقش شیرین توجه نشده است و اغلب شیرین را در فرع بیان کرده‌اند اما نظامی تحت تأثیر عشق آفاق نقش اصلی داستان را به شیرین می‌دهد.

نظامی در ابتدای لیلی و مجنون بیان می‌کند که برای سرودن آن هیچ تمایلی نداشته است. حال این سؤال به ذهن می‌آید که نظامی که عشقی درباری و شاهانه را چنان با علاقه و لذت می‌سراید که بیت‌های زیبای آن سالیان سال بر زبان‌ها جاری می‌ماند؛ چرا نسبت به عشق داغ لیلی و مجنون بی‌تمایل است؟

زمانی که به نظامی پیشنهاد سرودن لیلی و مجنون داده می‌شود، چند سالی از مرگ آفاق زیبارو گذشته، و او برای باردوم ازدواج کرده است. در این برهه از زندگی نظامی از وجود همسری از آن وی نام برده می‌شود که از آن زن رضایت خاطر نداشته است. و آن عشق و شادی که نظامی در زمان زندگی با آفاق احساس می‌



کرده، در این زندگی وجود نداشته است. شاید به همین علت است که در چند بیت از زبان مجنون، به زن‌ها می‌تازد. در حالی که کاملاً مشهود است که دیدگاه نظامی به زن‌ها بسیار روشن فکرا نه است. او زنان را دارای تأثیر زیادی در زندگی مرد ها می‌داند. این دیدگاه نظامی را نسبت به زن‌ها هم در هفت پیکر و خسرو و شیرین می‌توان مشاهده کرد و هم در ازدواج‌های وی قابل تأمل است. او هیچگاه دو زن را با هم اختیار نکرده است و با از دست دادن یک همسر، همسری دیگر برگزیده است.

البته نظامی علت عدم تمایل خود را برای سرودن لیلی و مجنون به وصال نرسیدن این عاشق و معشوق بیان کرده است. اما اگر آن شادمانی را که نظامی در زمان زندگی با آفاق داشته است؛ دوباره به دست می‌آورد می‌توانست به وصال نرسیدن لیلی و مجنون را چون مرگ خسرو و شیرین، در پایان داستان، زیباتر به تصویر بکشد، و وصال این دو را به جهانی دیگر موکول کند؛ همان طور که ادامه‌ی زندگی شیرین با خسرو، به صورتی نمادین با درآغوش خسرو مردن بیان شده است.

شادی و نشاط در داستان خسرو و شیرین علاوه بر اینکه به علت این است که این داستان و عشق میان قهرمانان آن در محیط رفاه زده‌ی دربار است؛ ناشی از رضایت خاطر و آرامش نظامی به دلیل زندگی سعادت‌مندانه در کنار آفاق می‌باشد.

این شادی و آسودگی در هفت پیکر نیز احساس می‌شود. نظامی هنگامی که شروع به سرودن هفت پیکر می‌نماید برای بار سوم ازدواج کرده است و زندگی بار دیگر برای نظامی لذت بخش شده است. این زن اگرچه با آفاق بسیار متفاوت بوده، اما توانسته است تا حدی جای خالی آفاق را برای نظامی پر کند به گونه‌ای که دیگر از آن اندوهی که در لیلی و مجنون بود در هفت پیکر خبری نیست. نظامی هنگامی که شروع به سرودن مخزن الاسرار نموده، در اوج جوانی بوده است، پس طبیعی است که اگر از پیران و کهنسالان بدیی به او برسد کهنگی آنان را به طعنه بیان کند و چنین به آنان بتازد:

گل که نو آمد همه راحت در اوست	خار کهن شد که جراحت در اوست
از نوی انگور بود توتیا	و ز کهنی مار شود ازدها
عقل که شد کاسه‌ی سر جای او	مغز کهن نیست پذیرای او

(نظامی م، ۱۳۸۱: ۱۴۹)

و زمانی که وارد دوران پیری می‌شود و اسکندر نامه را می‌سراید مدینه ی فاضله‌ای را که اسکندر به آن راه یافته است شهر پیران فرزانه معرفی کند. درکل باید گفت نه تنها نظامی بلکه تمام شاعران و هنرمندان تاریخ هرکدام به نوعی حوادث زندگی و درونیات خود را در قالب هنر خود بیان می‌دارند و در آثار خود از زندگی شخصی خویش متأثر می‌شوند.

### ۲-۳. شرایط سیاسی - اجتماعی عصر نظامی

طغرل بن ارسلان آخرین بازمانده‌ی سلجوقیان عراق بود که در همان اوان حکومت خود در نواحی اران با هجوم ابخازیان و در حدود عراق با یک شورش مواجه شد. او توانست با جلادت و هوشیاری این هجوم و شورش را سرکوب نماید. این گرفتار و پیروزی‌ها، جوانی و کام‌طلبی، عشرت جویی و شق به موسیقی و سرود در خاطر نظامی یادآور احوال خسرو و گرفتاری‌های او با شورش بهرام چوبین و آشوب دشمنان بود. (زرین کوب، ۱۳۷۲: ۲۵). این شرایط سیاسی که نظامی در معرض آنها قرار داشت از سویی و شرایط فرهنگی و اجتماعی جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کرد هریک به نحوی باعث تنوع موضوعات خمسه ی او شده بود. نظامی از جمله شاعرانی بوده است که کمتر به دربار و نزد پادشاهان می‌رفته است و اگر به ستایش پادشاهی برخاسته است به علت سخنانی بوده است که از زبان دیگران شنیده است. اینکه وقتی به ملاقات یکی از پادشاهان زمان خود می‌رود و آن ملک فرمان برچیدن بساط عیش و نوش را می‌دهد که مناسب با حرمت و جاه نظامی نیست نظر نظامی را نسبت به خلق و خوی پادشاهان نیک می‌گرداند زیرا این پادشاه فرهنگ دوشت و شعر شناس است. در حقیقت شاعر دیدگاه خود را راجع به اوضاع سیاسی رایج در دوران پادشاهی خسرو و بهرام نشان می‌دهد خواننده از خلال این داستان‌ها در می‌یابد که شاعر در عصری می‌زیسته است که پادشاهان بیش از هر چیز به عشرت طلبی خود می‌پرداخته اند و سیاست مطلوب نظامی را می‌توان از پایان داستان خسرو و شیرین و سرانجام کار بهرام دریافت. در آن زمان که خسرو دست به دامان بزرگ امید می‌گردد که راه و روش کشورداری درست و همراه با عدالت ورزی را به نشان بدهد و خسرو به پادشاهی آرمانی مبدل می‌شود که چون پدرش صدای زنجیر عدالت را به گوش مردم می‌رساند. بهرام گور که همواره به شکار و عیش و نوش مشغول است بعد از اینکه خاقان چین برای دومین بار به مرزهای حکومتی او حمله می‌آورد در می‌یابد که جایی از کشورداری او با مشکل مواجه است و اگر این پادشاه خود را با قصه سرایی‌های بانوان هفت گنبد مشغول نمی‌داشت هیچ کس به خود جرأت حمله به

سرزمینش را نمی‌داد. اما بهرام این را از سخن آن مردی می‌فهمد که سگ خود را به دار آویخته بود؛ تنها به این علت که با گرگان معاشرت نموده و گله را رها کرده است و این گرگ‌ها گله را دریده بودند. بنابراین به مقرر حکومت خود باز می‌گردد و به اصلاح امور دست می‌زند. از خلال این داستان و پایان آرمانی آن همان سخنان نخستین نظامی که در مخزن الاسرار بیان کرده بود دریافت می‌گردد. در آنجا نظامی به گونه‌ای آشکار شرایط آرمانی و مطلوب اوضاع سیاسی و اجتماعی عصر را بیان می‌کند اما در این داستان با زبان و بیانی زیبا و دوست داشتنی مخاطب خود را به درون دنیایی تخیلی می‌برد و دنیای آرمانی را به او نشان می‌دهد. علت این که گفته می‌شود گاهی تضاد ناشی از شرایطی است که شاعر در آن زندگی می‌کند این است که که شاعران هم دوره‌ی او نیز این تضاد را در آثار خود دارند. "شاعران بزرگ سده ی ششم ، انوری، نظامی و خاقانی ، حامل تضادهایی درونی اند که ناشی از سرشت آمیغی فکر و فرهنگ این دوره است و به نوبه ی خود پایه ای برای تفاوت های جریانات و هنجارها و شیوه های شعر در ادوار بعد". (حمیدیان، ۱۳۸۳: ۴۸).

"خاندان سلجوقی به ستایش شدن از جانب شاعر بسیار اهمیت می‌داده‌اند و سعی می‌کرده‌اند از این لحاظ خود را به پادشاهان سامانی نزدیک گردانند. ولی در قرن ششم با تضعیف و فرو پاشی حکومت سلجوقیان و تقسیم قلمروی آنان میان حکومت های کوچکتر این تمرکز شعر و شاعری در مدیحه سرایی به زوال کشیده شود. از سوی دیگر ناآرامی و ناپایداری اوضاع اجتماعی و سیاسی و هرج و مرج جامعه شاعر را به سوی درون گرایی و گرایش به دنیای دورنی سوق داد. تأثیر فراوان روح بدبینی نسبت به زندگی و محیط اجتماعی، افزایش اعتقاد به قضا و قدر و مخالفت با فلسفه و علوم نظری در این زمان رواج یافت و گرایش به عرفان و تصوف تحت تأثیر شرایط اجتماعی و سیاسی در شاعران به وجود آمد. این سده تحت تأثیر این اوضاع و شرایط موقعیتی بینابین و حالت گرگ و میش از عوامل ماقبل و بعد از خود دارد". (همان: ۵۰).

اما مدح اشخاص در ضمن یا انتهای غزل نیز مطابق سنت و معیارهای قدما تناقضی با عشق بشری و حتی عارفانه نداشته است. این که بر معیارهای قدما تأکید می‌کنم از این روست که امروزیان شاید نگرشی متفاوت با گذشتگان در مورد شاهان یا بزرگان موضوع مدح داشته باشند بیشترین مشکل ما با مدح در غزل عارفانه است ، ولی اندیشه ی ستایش شخصی خاص حتی در شعر اهل معرفت و عرفان مغایر یا متناقض با دیگر اجزای نظام فکری یا جهان بینی آنان نبوده. مدح جملگی ستاینندگان مبارز بر محور شجاعت و قاطعیت و دینداری و اسلام پناهی بوده است. به هر حال ، در مورد مدح در غزل عارفانه ، به نظر بنده تا آنجا که با اغراض آلوده و فارغ از ارادت و اعتقاد نسبت به ممدوح نباشد نمی‌توان سخن از تناقض با روح عرفان

گفت. (همان: ۸۸-۸۹). در مجموع این نظرات خود حمیدیان این نظر داشته است که صرف ستایش و مدح پادشاهان توسط شاعران نمی‌توان آن شاعر را فردی آلوده و دنیا پرست نامید. بنابراین نظامی به علت اینکه آشنایی چندانی با حکومت و مسئولان آن نداشته است تصوراتی از این حکام داشته است و با آن تصورات آنان را مدح می‌کند.

به طور کلی شرایط سیاسی و اجتماعی که در زمان نظامی وجود داشته است او را به سوی نوعی تضاد و دوگانگی کشیده است و باعث شده شاعری که در مخزن الاسرار یک زاهد و انسان والا جلوه می‌کند که هیچگاه به دولتیان و درباریان واقعی نمی‌نهد در جای جای آثار و منظومه‌های دیگر به ویژه مقدمه‌ی آنها به ستایش و مدح حاکمان زمان پردازد.

در داستان‌هایی که نظامی سروده است می‌توان ردپای جامعه و نگاه شاعر نسبت به این جامعه را دید. نمونه‌ی بارز آن داستان لیلی و مجنون است که شاعر تصویری از جامعه‌ی اعراب را بیان داشته است. قصه‌ی لیلی و مجنون تنها داستان عشقی نامراد نیست تصویری از یک جامعه‌ی در بسته و محکوم به سلطه‌ی بیرحم سنت‌ها هم هست. تصور جامعه‌ی بی‌که هرگونه عدول از سنت‌ها را رد می‌کند و طی قرن‌ها به آداب و رسوم کهنه‌ی اجدادی وفادار می‌ماند شاید نزد خاطری که در جستجوی یک جامعه‌ی آرمانی تکاپو دارد خالی از جاذبه به نظر نیاید (زرین کوب، ۱۳۷۲: ۱۳۱).

## ۲-۴. تأثیر مطالعه در آثار پیشینیان:

نظامی از شاعرانی بوده است که از کلام او می‌توان دریافت که همواره به آثار پیشینیان خود توجه داشته، و به مطالعه و بررسی آنها می‌پرداخته است از سویی مطالعه و دل بستگی به اثری چون مخزن الاسرار و از سوی دیگر ارتباط با شاهان و علاقه‌مندی به آنها نوعی دوگانگی کلام را در آثار نظامی به وجود آورده است. این شاعر با تمام بلند همتی و افکار عالمانه خود را سگ ممدوحش می‌خواند که علت این امر را حمیدیان بیان کرده است: "نظامی از یک سو مسبوق به سنایی و آثار گرانقدر او در زمینه عرفان و تصوف بوده است و نزدیک به دورانی می‌زیسته است که دوران اوج مکتب تصوف و عرفانی بوده، و شاعر نمی‌توانسته از نفوذ این شرایط برکنار بماند. اما نحوه‌ی زندگی او و اینکه روزی خوار و ستایشگر شاهان بوده و ناگزیر از حفظ ارتباط با ارباب جاه و مال بوده این گرایش ناسازگار و دوگانگی سرشت را در شعر او به وجود آورده است" (حمیدیان، ۱۳۸۳: ۵۳).

علاوه بر این؛ نظامی از شاعرانی بوده است که به مطالعه‌ی صرف آثار عرفانی نپرداخته است بلکه در جای جای آثار او ردپای شاهنامه و داستان‌های آن مشاهده می‌شود. "نظامی هرگز نخواست است به مقابله با فردوسی پردازد و یا نظیره ای برای شاهنامه بگوید، بلکه در جستجوی شیوه‌های ارزشمند شاعری و در جستجوی جنبه‌های پایا و ماندگار فرهنگ انسانی با مطالعه‌ی آثار شاعران پیش از خود به درستی تشخیص داده است که شاعران واقعی چه کسانی بوده‌اند. نخست سنایی و حدیقه‌ی او با شهرتی که در زمان او یافته بود، نظر او را به سوی خود جلب کرد. اما تجربه‌های بعدی عظمت اثر فردوسی را برای او آشکارتر کرد و این انتخاب و تشخیص نیز یکی از قابلیت‌های اوست؛ چرا که برای رسیدن به کمال در هر هنری باید کاملاً آن هنر را شناخت و راز توفیق آنان را دریافت" (احمد نژاد، ۱۳۶۹: ۶۱).

همان‌گونه که از بررسی آثار نظامی برمی‌آید وی از عالمانی بوده است که از آثار بزرگان متأثر شده، و به روش آنها و تأثیر این آثار در زندگی مردم اندیشیده است. در بدو امر آنچه را که با گرایش و هدف غایی خود مناسب دیده، حدیقه‌ی سنایی بوده است اما پس از مدتی به خشک بودن پند و اندرز و زهد پی می‌برد. پیشنهادی که برای سرودن خسرو و شیرین به او شده، باعث شده است که به جنبه‌های جذاب‌تر شعر سرایی فکر کند و هدف خود را در این بعد از شعر پی ریزی نماید.

مطالعه در آثار فلسفی یونان، شاهنامه‌ی فردوسی، تاریخ و آثار دینی و حکمی باعث شده است که نظامی در هر کدام از این زمینه‌ها آگاهی یابد و به طبع آزمایی پردازد. در حقیقت سرودن خرد نامه، اسکندرنامه و مخزن الاسرار را باید بیشتر از هر چیزی تحت تأثیر مطالعات پیشین نظامی و غور در آثار کسانی چون سنایی و فردوسی و ارسطو دانست.

البته نباید افزایش تجربه‌ی نظامی در شناخت اجتماع خود در اثر آمیزش با مردم را نادیده گرفت. نظامی در دوران جوانی و هنگام سرودن مخزن الاسرار تا حدی انزوا طلب بوده است به طوری که؛ زمانی که شروع به سرودن خسرو و شیرین می‌کند، پنجاه چله را گذرانده است و این شدت انزواطلبی او را در دوران جوانیش نشان می‌دهد. اما در آثار دیگرش از دوری گزیدن از مردم پشیمان می‌شود و در اثر این اختلاط با مردم خود بیشتر اطرافیان خود و سلاقی و علاقی آنها را می‌شناسد و این علاقی را در برگزیدن موضوعات خمسه‌ی خود دخالت

می‌دهد.

شایان ذکر است که نظامی در خرد نامه بیشتر سعی داشته است خود را در خلال حکیمان یونان به معاصران

و آیندگان معرفی کند. هرچند که از تعلیم اخلاق و عرفان در این منظومه نباید غافل بود. علاوه بر این؛ از بررسی موضوعات خمسه بر میآید که نظامی همیشه از تکرار و عدم نوآوری گریزان بوده است. و شاید لیلی و مجنون را تکرار خسرو و شیرین دیده، که نسبت سرودن این داستان بی تمایل بوده است. اما زمانی که اثری (هفت پیکر) با موضوعی جدید و متفاوت از آثار پیشین به وی پیشنهاد شده، با کمال خرسندی آن را پذیرفته، و تمام توان خود را در سرودن آن به کار برده است.

### ۳. مطالبی مهم در شناخت شخصیت نظامی

عواملی که باعث می شود تنوع در آثار و موضوعات خمسه‌ی نظامی بهتر درک شود عبارتند از:

#### ۳-۱. دیدگاه همه جانبه نگر نظامی

موضوع منظومه‌های نظامی عاشقانه، عارفانه، تاریخی، حماسی و حکمت و فلسفه‌ی یونان است. اما چنین نیست که در هر اثر فقط یک موضوع محور قرار گیرد. به عنوان مثال در یک اثر تاریخی چون هفت پیکر اخلاقو عشق و حکمت در یک منظومه و در جهت تأیید یکدیگر بیان شده است. نظامی فردی خرد گرا است که بر پایه‌ی خرد خویش احکام اخلاقی صادر می‌کند اما نظر او راجع به دل جالب توجه است. در حقیقت او دل و خرد را همراه با شرع اموری به هم پیوسته می‌داند که راهی یگانه را در رسیدن به سعادت می‌پیمایند. نظامی در تمام داستان‌هایش بین این امور تعادل برقرار کرده است. اگر به گفتگو و مناظره‌های منظومه‌های نظامی دقت شود، مشاهده می‌شود هر جا که احساس اوج می‌گیرد کلام و یا رفتاری خردمندانه آن را به سمت اعتدال پیش می‌برد.

بیشترین هنر نظامی در برقراری اعتدال میان امور متضاد و یا به عبارتی بهتر، امور متفاوت، در خسرو و شیرین قابل مشاهده است. او چنان عشق را با اخلاق پیوند داده است که هر کدام از آنها وسیله‌ای در جهت تعادل دیگری محسوب می‌شود نه در تضاد و تقابل با آن.

در اسکندرنامه، اسکندری که با جنگ و خونریزی ملتها را درمی‌نوردد؛ با سفرکردن و آشنایی با جهانی که در آن زندگی می‌کند، راه رستگاری را می‌یابد. اما چرا نظامی از میان تمام پادشاهان تاریخ به سراغ اسکندر ملعون می‌رود؟

نظامی با نگاهی روشن‌بینانه و همه‌جانبه نگر به دنیای اطراف خود می‌نگرد. از نظر او هرکسی قابل اصلاح و برگشت به آن پاکی و معصومیت آغازین خود است؛ حتی اسکندر مقدونی، گجستک {ملعون} تاریخ می‌تواند به سالکی بدل گردد که به مدینه‌ی فاضله‌ی نظامی راه پیدا کند. و عیاش تاریخ، خسرو، معشوق زنی پاکدامن چون شیرین گردد و روزی برای او فرا رسد که پیامبر را در خواب ببیند. شیرین مغ و آتش پرست نیز می‌تواند به عنوان زنی عفیف و پاکدامن در شعر نظامی مورد ستایش قرار گیرد و آفاق را به یاد نظامی بیاورد. به نظر نظامی انسان‌ها آمیزه‌ای از خوبی و بدی‌اند؛ و در وجود هر انسانی زشتی‌ها و زیبایی‌ها در کنار هم قرار دارند و بدی‌ها و زشتی‌ها برای این آفریده شده‌اند که زیبایی‌ها بهتر شناخته شوند. بنابراین؛ در خمسه‌ی نظامی در مقابل هر شخصیت زیبا و مثبت، شخصی خبیث و ناسازگار وجود دارد. و یا فردی در این داستان‌ها وجود دارد که زیبایی تصویر قهرمان قصه بهتر نموده می‌شود. به شخصیت خسرو در مقابل شیرین توجه کنید اگر اصرارهای نامعقول خسرو برای کام جویی از شیرین نباشد چگونه می‌توان زیبایی پاکدامنی شیرین را درک کرد؟

در حقیقت نظامی به شناخت روانکاوانه‌ی نوع انسان دست زده است. او به سراغ ظالمان تاریخ رفته است و ستم‌های آنان را بدون هیچ ملاحظه و کم و کاستی بیان کرده، و سپس آنها را به راه سعادت رهنمون ساخته است؛ تا این نکته را به خواننده‌ی داستان خود تعلیم دهد که انسان قابل اصلاح است و همه می‌توانند زیبایی‌های درون خود را بهتر بشناسند فقط باید راه این شناسایی را بیابند. باید به دنبال راهی گشت که بعد فراموش شده به عرصه‌ی ظهور آید. خسرو با عشق ورزیدن به شیرین پاکدامن به رستگاری می‌رسد. بهرام با قصه‌های زنانش و دم‌گیری آنها و دیدن سگی به دار آویخته شده که جرم او همدستی با گرگان بوده است اشتباه خود را در حکومتش درمی‌یابد و به سوی عدالت ورزی پیش می‌رود.

نظامی در بیتی که عدالت ورزی هرگز را می‌ستاید به تمام مسلمانان متعصب و یک‌جانبه نگر تاریخ می‌تازد:

مسلمانیم ما او گبر نام است  
گر این گبری مسلمانی کدام است

(نظامی، خ، ۱۳۸۱: ۱۱۴)

چرا در اسکندرنامه یک کنیز چینی خود را از پادشاهان ایرانی برتر می‌داند؟ این نظامی است که دوباره در خلال یک داستان کوتاه، دیدگاه همه‌جانبه‌نگر و رئالیسم خود را مطرح می‌سازد. هدف وی از برتری دادن یک زن چینی بر پادشاهان بزرگی چون فریدون و جمشید این است که به همگان بیاموزد که باید به بعدی از این کنیز نگرست که باعث برتری او شده است. آری این جنبه‌ی زیبا و مثبت کنیز است که او را بر

پادشاهان ایرانی برتری داده است. به نظر نظامی هرانسان با هر نژاد و مذهبی دارای جنبه‌هایی است که گاه باعث برتری او بر پادشاهان می‌شود. و یا ابعادی که او را از یک حیوان نیز فروتر می‌برد. علاوه بر این؛ نظامی به طور غیر مستقیم به مخاطب خود می‌گوید برتری‌های خود را بشناس و خود را فروتر از هیچ کس ندان.

### ۳-۲. تغییر و تحول امری طبیعی و ذاتی در انسان:

تغییر و تحول در تمام انسان‌ها امری ذاتی و طبیعی است و هیچ کس از این امر مستثنی نیست. انسان‌ها تحت شرایط و تعالیم و تجربه اندوزی‌ها دچار تغییر و تحول می‌شوند. "پیداست هنرمند معمولاً به دور از تضادهای درونی نیست زیرا ضمیر او در هر دو بعد فکری و عاطفی درگیر است، درگیر تضاد همیشگی میان واقعیت و آرمان و نیز اضطرابی که هیچ گاه آسوده‌اش نمی‌گذارد، اضطرابی که برخی اهل نظر اساساً هنر را زاده‌ی آن دانسته‌اند. این را چونان امری مهم در کار و بار هنر می‌پذیریم، شاعران برجسته‌ی ما نیز از همین ستیز ناسازها در درون خویش برکنار نبوده‌اند و شعرشان آینه‌ای صادق و صمیمی از همین تضادهای بنیادینی است که گاه ابعادی تراژیک و تأمل انگیز می‌یابد. اما این تضاد اصلی و عمومی یک چیز است و شخصیت دوگانه داشتن چیزی دیگر. (حمیدیان، ۱۳۸۳: ۴۹) اگر این تحول افراد را به سمت سعادت پیش برد دیگر تغییر نیست بلکه تکامل است." شعر و اساساً هنر چیزی بجز جهان تجارب درونی شاعر و هنرمند نیست. او هر قدر هم تحت تأثیر عناصر و پدیدارهای بیرونی و آفاقی و روابط آنها با یکدیگر باشد، لزوماً تابع دنیای بیرون از خود نیست. زیبایی و زشتی و دلپذیری و دل‌آزاری در حقیقت نام‌هایی است نهاده بر تجربه‌های خوشایند و ناخوشایند، هرکدام در شرایط خاص خود. به همین سان تجارب افراد از امری و پدیداری واحد قابل قیاس با همدیگر نیست، مگر این که شرایط تکوین تجربه را به تمامی یکسان کنیم، و این یعنی امری محال. آیا مثلاً تماشای بارش برف یا تجسم تصویر آن برای کسی که سقف خانه‌اش چکه می‌کند همان واکنش یا تصویری را بر می‌انگیزاند که برای فرد مرفه‌ی که از پنجره‌ی گرم‌جای خود به آن می‌نگرد". (همان: ۳۱۲). اینکه شاعر تحت تأثیر تجارب و شرایط متفاوت سخنانی گوناگون را بر زبان بیاورد امری به دور از انتظار نیست.

اما سؤال این است آیا تغییر و تحولی در نظامی صورت پذیرفته است؟ و اگر این تغییر وجود داشته است به چه صورت بوده است؟



هدف اصلی نظامی از سرودن شعر در نخستین اثر او قابل مشاهده است. گرایش اساسی نظامی به عدالت ورزی، پیوند خرد و شرع و یافتن راهی برای به سعادت رساندن جامعه، در مخزن الاسرار بیان شده است و منظومه‌های دیگر وی تنها روش‌های متفاوتی برای رسیدن به این هدف والا است.

درحقیقت؛ تحولی که در نظامی، و به بیانی بهتر در آثار او مشاهده می‌شود تحول در روش است نه در اصول و اهداف. هدف نظامی اصلاح اجتماع و آگاه و متنبه ساختن مخاطب است. او این هدف را گاه به طور مستقیم در منظومه‌ای چون مخزن الاسرار بیان می‌کند و گاه سعی می‌کند با آثاری چون خسرو و شیرین، هفت پیکر و اسکندر نامه این مسئولیت سنگین را از دوش خود بردارد.

دیدگاه مثبت نظامی را نسبت به متحول شدن در تحول بهرام، خسرو و اسکندر می‌توان مشاهده کرد. البته به نظر نظامی این تحول بدون علت صورت نمی‌پذیرد همان‌طور که علت تحول وی عشق آفاق، و علت تحول خسرو وصال شیرین است و این سیر و سفر است که چشم حقیقت بین اسکندر را می‌گشاید و بهرام با دم گیرای همسرانش با راه سعادت آشنا شد.

### ۳-۳. نظامی یک مصلح اجتماعی

حوزه‌ی اصلی شعر نظامی نقد اجتماعی و اخلاقی است. اجتماع و اخلاق در ارتباطی دوسویه قرار دارند. با اصلاح شدن اخلاق افراد، جامعه نیز به سمت سعادت پیش می‌رود. پس باید راهی پیدا کرد و به سراغ اعضای جامعه رفت و به اصلاح و هدایت آنها پرداخت. نظامی برای دست‌یابی به هدف خود حماسه و تاریخ و قصه‌های عاشقانه را که پسند اجتماع اوست برمی‌گزیند. البته درست است که این داستان‌ها به او پیشنهاد شده است ولی نظامی آگاهانه آنها را پذیرفته است، او می‌توانسته نسبت به سرودن آنها اظهار عدم توانایی نماید. نظامی همیشه به مردم و اجتماع و علایق و سلائی آنها توجه داشته است. بعد از اینکه سنین جوانی را به دوران چهل سالگی می‌رساند و بعد از آشنایی بیشتر با جامعه خود و در پی شناخت آنها سعی در سرایش داستان‌هایی می‌نماید که برای اجتماعش جالب توجه است و از خلال این نوع داستان‌ها اجتماع خود را اصلاح کند. " اقدام نظامی به نظم این هوسنامه‌ی عامیانه و مبنی بر روایات رایج در افواه غیر از ارضاء میل کنجکاو برای تصور یا تصویر یک جامعه‌ی آرمانی که در آن زهد و ریاضت مبنای حیات انسانی نباشد تا حدی نیز پاسخی به علاقه‌ی اهل عصر به اینگونه حکایات بود" (زرین کوب، ۱۳۷۲: ۷۸).

نظامی فردی شرع مدار است که گرایش کامل خود را به شرع بیان داشته است. حال این سؤال پیش می‌آید

که چگونه این شاعر شرع مدار در مناظره‌ی قوم قبیچاقی با اسکندر در جانبداری این قوم از بی‌حجابی زنان، قبیچاقیان را بر اسکندر پیروز می‌گرداند؟

علاوه بر این که نظامی طرفدار آزادی اندیشه است و از توهین به رسوم و آیین دیگران دوری جسته است؛ در حقیقت با بیان این داستان کوتاه مخاطب خود را به اصلاح فردی دعوت می‌کند. او در این داستان امنیت و آسایش جامعه را در سایه‌ی اصلاح فردی میسر می‌داند. نظامی در خلال منظومه‌هایش از هر فرصتی برای تنبه و آگاه کردن مخاطب خود استفاده می‌کند و درحقیقت با چنین مناظره‌های کوتاهی مخاطب خود را به صورت غیرمستقیم اندرز می‌دهد که برای رسیدن به سعادت همگانی باید از خود شروع کند. یکی از پندهای نظامی به مردم اجتماع خود که بر شرع مداری او نیز کاملاً منطبق است و با چشمی تیزبین می‌توان آن را دریافت، توبه و بازگشت است. او به مخاطب خود را چنین پند می‌دهد که هر زمان که از کرده‌ی خود پشیمان شدی برای بازگشت دیر نیست. او این دیدگاه خود در فرجام کار بهرام، اسکندر، نعمان و به طور نامحسوس‌تر در خسرو به نمایش می‌گذارد (در این مورد در قسمت های پیشین سخن گفته ایم). گرایش درونی نظامی به اخلاق و فضیلت از عفت کلام او دریافت می‌شود. در سراسر خمسه‌ی وی کلامی رکیک و خلاف عفت دیده نمی‌شود، که فاصله‌ی نظامی را با شخصیت عرفانی او نشان دهد. حتی داستان‌های عاشقانه‌ای که کاربرد کلمات مبتذل در آنها دور از انتظار نیست نیز نتوانسته‌اند نظامی را از اخلاق دور کنند. او با عفت کلام خود به مخاطب خویش ادب را تعلیم می‌دهد و در هیچ یک از منظومه‌های نظامی این فضیلت اخلاقی فراموش نشده است.

#### ۴. نتیجه‌گیری

از بررسی‌های به عمل آمده چنین نتیجه گرفته می‌شود که تضاد درونی نظامی تحت تأثیر امور و شرایطی بوده است که باعث تنوع موضوع در آثار او شده است. شرایط سیاسی، فرهنگی و اجتماعی عصری که نظامی در آن می‌زیسته است، رویدادهای زندگی شخصی شاعر، مطالعه در آثار پیشینیان چون حدیقه‌ی سنایی، شاهنامه‌ی فردوسی و ویس و رامین فخرالدین اسعد گرگانی، و پیشنهاد سرودن داستان‌های عاشقانه از سوی حاکم زمان و دیگران از جمله عواملی بوده است که منجر به تنوع موضوعات در خمسه‌ی نظامی شده است. البته در این که نظامی دچار تضاد دورنی شده است هیچ شک و شبهه‌ی نیست اما از یک سو این تضادها تحت عللی بوده که ذکر شد از سویی دیگر تضاد دورنی هر هنر مند در جدال بین دنیای آرمانی و واقعیت عواملی هستند که هر یک به طور جداگانه‌ای این تضادها را به وجود می‌آورند.

علاوه بر این؛ نظامی که با هدف اصلاح اجتماع خود به شعر و شاعری پرداخته است؛ با آشنایی بیشتر با مردم پیرامون خود و شناخت علایق آنها در خلال منظومه‌ها و موضوعاتی که علاقه مند هستند به ارشادجامعه‌ی خود پرداخته است.

تغییر و تحول، تحت شرایط زندگی و تعلیمات به عنوان امری طبیعی برای تمام انسان‌ها رخ می‌دهد. و باید اذعان داشت که نظامی دچار تحولاتی در مسیر زندگی خود شده است ولی این تحولات در روش بیان او مؤثر بوده است نه در اصول و عقاید او. دیدگاه متکامل و همه جانبه نگر نظامی باعث شده است که به موضوعات متنوع و گاه متضاد بپردازد. اما نظامی در این موضوعات متفاوت اهداف و اصولی ثابت را پیگیری می‌کند و توسط این اصول ثابت است که بین امور متضاد و متفاوت پیوندی استوار برقرار کرده است.

#### منابع:

- ۱- احمد نژاد، کامل. (۱۳۶۹). تحلیل آثار نظامی. تهران: نشر علمی.
- ۲- ثروتیان، بهروز. (۱۳۶۹). آینه‌ی غیب نظامی گنجه‌ای در مخزن الاسرار. تهران: نشر کلمه.
- ۳- ثروتیان، بهروز. (۱۳۸۱). باز نویسی خسرو و شیرین. چاپ دوم، تهران: نشر اهل قلم.
- ۴- ثروتیان، بهروز. (۱۳۸۲). نظامی گنجه‌ای (از ایران چه می‌دانیم). تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- ۵- جعفری، محمد تقی. (۱۳۷۰). حکمت و عرفان و اخلاق در شعر نظامی. تهران: انتشارات کیهان.
- ۶- حمیدیان، سعید. (۱۳۸۳). سعدی در غزل. تهران: انتشارات
- ۷- زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۷۲). پیرگنجه در جستجوی ناکجا آباد. تهران: انتشارات سخن.
- ۸- صبور، داریوش. (۱۳۸۲). آفاق غزل فارسی. چاپ دوم، تهران: نشر زوار.
- ۹- موحد، عبدالحسین. (۱۳۶۷). اشارتها و بشارتها. تهران: انتشارات امیر کبیر.
- ۱۰- نظامی، الیاس بن یوسف (۱۳۸۱). کلیات خمسه‌ی حکیم نظامی گنجوی. تصحیح وحید دستگردی، تهران: انتشارات طلوع.